

کندوگاری در نسخه های تعزیه

غلامرضا کلی زواره

چگونگی پیدایش

تعزیه، روایت حماسه ای مقدس اما خونین است که دو جبهه را به تصویر می کشد: یکی مسیر سقوط را طی می کند و دیگری صعود به سوی عرشیان و قدسیان را پیش گرفته است. نبرد در آن ترسیم می گردد که در یک سویش شجاعت، ایمان و فداکاری قرار می گیرد، و در طرف مقابل همه ترویرها و شقاوت های شیطان قامت راست می کند. سرانجام این صحنه ها پیروزی خون بر شمشیر را به تماشاگران می آموزد.

در این نمایش زیبایی مذهبی، اندیشه های عالی در قالب احساسات و عواطف پاک به مردم انتقال می یابد و تعبد عامه مردم در واژه ها و استعاره هایی عرضه می گردد که بر اثر آن وحدت دینی و عاطفی بین نظاره گران پدید می آورد و مرزها را از بین می برد. در تعزیه اهل آسمان در عزای عزیزترین انسان ها سینه چاک می کنند و حتی وحوش هم به خاطر مصایب سختی که بر آدمیان می رود، ماتم زده هستند. در این برنامه، گریه، سوگ، شادی، هجو و سخره در پی هدفی واحد باهم می آمیزند و رنگ یکنواختی را از آن می زدایند و تماشاگران را تا آخر با خود همراه می سازند.

در این که تعزیه خوانی از کی پدید آمده و چگونه شکل گرفته نظرات مختلفی مطرح است: گفته می شود پس از واقعه کربلا یزید جنایت پیشه به جانان کربلا گفت: «تمایل دارم واقعه طف را مشاهده کنم». آنان هم فرمایش را اطاعت کردند و این واقعه اسفناک را برایش به نمایش درآوردند.^۱ اگر چنین ادعایی صحت

داشته باشد، این برنامه یک نمایش تعزیه به حساب می آید. ادوارد براون با استناد به دو متن فارسی و آلمانی، پیدایش تعزیه را به قرن چهارم هجری نسبت می دهد.^۲ در تاریخ ابن کثیر شامی آمده است: «معزالدوله احمد بن بویه در بغداد در دهه اول محرم امر کرد تمامی بازارهای بغداد را ببندند. مردم لباس عزا پوشیدند و به تعزیه سیدالشهداء پرداختند». ^۳ البته آنچه از این مطالب در مورد تعزیه استفاده می شود، مراسم عزاداری دهه ماه محرم به صورت علنی و رسمی می باشد، نه نمایش تعزیه، و این که در تاریخ مذهبی قم تاریخ تعزیه را به زمان آل بویه رسانیده، درست نمی باشد.^۴

برخی خواسته اند تاریخ پیدایش این سوگنامه های مذهبی را عصر صفویه قلمداد کنند و یکی از این قرائن را اظهارات اسکندربیک ترکمان در تاریخ خود دانسته اند که نوشته است:

شب عاشورا که مردم این طرف (سپاه ایران) به تعزیه حضرت سیدالشهداء قیام داشتند، غوغای عاشوریان اردو بازار را، محصوران قلعه (ایروان) شورش و غلغله یورش تصور نموده جمعی که راضی به مصالحه و قلعه دادن نمی شدند، از خواب غفلت برآمده از روی اضطراب دست در دامن تشفع شریف پاشا (فرمانده سپاه

۱. تعزیه در ایران و دو مجلس آن، ابراهیم بوذری، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ص ۹.

۲. تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.

۳. آل بویه، علی اصغر قتیبه، ص ۴۶۷.

۴. تاریخ مذهبی قم، ص ۳۲۶.

نمایشی تعزیه داریم، تطبیق نمی‌کند و هیچ‌گونه نسخه‌خطی هم که تاریخ آن زمان را با خود داشته باشد، در جایی بدست نیامده است. مرحوم دکتر محمد جعفر محجوب نوشته است:

برای اثبات این که تعزیه در دوره صفویه وجود داشته هیچ مدرک مستندی در دست نداریم در عوض دلائل قوی برای رد وجود آن در آن دوره وجود دارد.^۹

شوالیه ژان شاردن، سیاحی هوشمند و زیرک بود، وی که سالیان درازی در اوج قدرت صفوی در ایران زیست، ماحصل مشاهدات خود را به صورت سیاحتنامه‌ای چندجلدی (که به فارسی ترجمه شده) درآورد. کسانی که با این اثر آشنایند، می‌دانند وی کسی نبود که از آوردن مجالس تعزیه و نمایش‌های ایرانی حتی با ذکر جزئیات فروگذاری کند؛ خاصه از آن جهت که مراسم سوگواری محرم را با دقت همیشگی خود شرح داده است.

برخی تعزیه پژوهان اذعان می‌دارند موفق شده‌اند سندی به دست آورند که نشان می‌دهد تعزیه خوانی در آخرین سال‌های دوران صفوی وجود داشته است. این ادعا براساس گزارشی است از دو سیاح خارجی به نام‌های «سالامون» انگلیسی و «وان گوگ» هلندی که در سفرنامه‌های خود (از سال ۱۷۳۴ تا ۱۷۳۶م یعنی سه سال آخر حکومت صفویان) در اصفهان از اجرای یک نوع تعزیه خوانی که روی عرابه‌ها صورت می‌گرفته خبر می‌دهند.^{۱۰} حال آن که گزارش‌های مورد اشاره تنها می‌توانند دلالت بر شبیه‌گردانی و شبیه‌سازی کنند، نه تعزیه خوانی و تفاوت این دو برای یک فرد اروپایی کار آسانی نمی‌باشد و آنچه آن دو سیاح نگاشته‌اند حکایت از انجام مراسم سوگواری روی عرابه دارد و مشاهداتشان فاقد عنصر نمایشی تحت عنوان تعزیه از حیث گفتگو، حرکت و انتقال حرکات به خاطر تماشاگران است.^{۱۱}

اما می‌توان براساس پاره‌ای شواهد تاریخی و مستندات مورخان و سیاحان، خاطر نشان ساخت که تعزیه در دوران صفویه مراحل ابتدایی و مقدماتی را سپری می‌کرده و در عصر

۵. عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۶۵۵؛ زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی، ج ۳، ص ۱۰.

۶. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، گردآورنده: پیتز چلکوسکی، ترجمه داود حاتمی، ص ۱۰.

۷. سرگذشت موسیقی ایران، روح‌الله خالقی، بخش اول، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۸. تاریخ موسیقی، حسن مشحون، ج ۱، ص ۴۰۲.

۹. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۸۸.

۱۰. فصلنامه هنر، ش ۲، زمستان ۶۱، بهار ۶۲، ص ۱۶۱.

۱۱. شیراز، خاستگاه تعزیه، صادق همایونی، ص ۱۱۳.

عثمانی) زدند و روز عاشورا که مقتل سیدالشهداء بود و حضرت اعلی (شاه عباس) به رسم معهود و سبیل معتاد لباس ماتم و سوگواری پوشیده و به لوازم مشغول بودند.^۵ چنانچه از سیاق این نوشتار برمی‌آید در عصر مذکور، تعزیه به شکل ویژه خود متداول نبوده و همان سوگواری به شکل سینه زنی و نوحه خوانی تحت عنوان تعزیه در منابع تاریخ ضبط گردیده‌اند.

البته گزارش‌های متعددی از اجتماعات مزبور توسط سیاحان، مبلغان و فرستادگان سیاسی اروپایی به ثبت رسیده که طی آنها از اشخاصی سخن گفته‌اند که ملبس به جامه‌های الوان بوده و به صورت منظم پیاده روی می‌کردند، یا سوار بر اسب‌ها و شترها باز آفریننده و قیامی بودند که حادثه کربلا را در اذهان تداعی می‌کرد. همچنین براساس این سفرنامه‌ها، نبردهای نمایشی توسط صدها تن از سوگواران با جامه‌های مخصوص اما همگون و مسلح به تیر و کمان و شمشیر و سلاح‌های دیگر به طور آهسته بازی می‌شد و سراسر آن با سوگ نوا همراهی می‌گردید و تماشاگران که در امتداد گذرگاه‌ها صف می‌کشیدند، بر سینه می‌زدند و در حالی که دسته‌عزّا از کنارشان عبور می‌کرد، فریاد می‌زدند: حسین! حسین!

گرچه سوگواری برای اهل بیت (ع) در این دوره رونق فزاینده‌ای یافت و برای افزایش هیجان مردم و پیوستن به جمعیت عزادار، طبل و سنج رایج گشت و ادوات جنگی که در میدان رزم کاربرد داشت، مورد استفاده ماتم سرایان قرار گرفت و در میداین عمومی مرکب بدون راکب را به عنوان نمادی از ذوالجناح می‌گردانیدند، اما تعزیه هنوز رسم نشده بود. ادام اولتاریوس که در زمان شاه صفی در اردبیل بوده شرح مبسوطی از مشهودات خود داده و ترتیب عزاداری را ذکر نموده ولی هیچ اشاره‌ای به تعزیه ننموده است.^۷ و از برپا کردن مجالس عزاداری به صورت نمایش مذهبی یا به اصطلاح تعزیه در این دوره هیچ نشانی نمی‌باشد و مورخان در آثار خود از آن سخنی نگفته‌اند^۸ و این که برخی خاطر نشان ساخته‌اند تعزیه در عصر صفویه به وجود آمده با هیچ دلیل و مدرکی همراه نمی‌باشد. البته گاه به اشتباه هرگونه سوگواری را تعزیه قلمداد کرده‌اند و با تعبیری که ما از هنر



فارس وجود داشته اند، اما از آنجا که کاغذ آنها پوسیده و در حال از بین رفتن بود از متن هایشان نسخه برداری شد و دست نویس ها را به خاطر آن که نام خداوند و معصومین روی آنها نگاشته شده بود با آب شستشو دادند.^{۲۰} اما این که آن تعزیه ها در آن زمان کامل و از حیث ترکیب مطالب و تلفیق مضامین، متن اشعار و نحوه توالی صحنه ها و رویدادها خالی از هرگونه اشکالی بوده یا خیر، - گرچه این نسخه ها در اختیار نبوده تا با بررسی آنها بتوان قضاوت کرد اما- برحسب قرائن باید گفت چون گام های اولیه را پشت سر می نهاده و برحسب نوشته های ویلیام فرانکلین و هانری ماسه در این متون نظم و نثر در آمیخته با یکدیگر بوده اند که بعداً راه تکامل را پیموده و با استعانت از ذوق سراینندگان تعزیه و قریحه شاعران معروف و عاشق خاندان عصمت و طهارت (ع) به نموده های مذهبی و آئینی خوبی دست یافته اند.

نخستین تلاش ها

قریب دو و نیم قرن دسته های عزاداری محرم و مجالس روضه خوانی در کنار هم بودند تا این که در این زمان (عصر زنده) هریک پیچیده تر و در عین حال پیراسته تر به عنوان منبع الهام تعزیه سرایان قرار گرفتند و به این ترتیب شکل نمایشی جدیدی به نام تعزیه بوجود آمد. از همان آغاز پیدایش مخالف خوان ها به گونه ای نمایشی نقش های خود را با صدای بلند اجرا می کردند؛ در حالی که موافق خوان ها اشعار خویش را موزون و به آرامی و سوزناک سر می دادند. در نخستین دهه های پیدایش نسخه های تعزیه، مضمون اصلی آنها ماجرای کربلا بود و با تکیه بر تنی چند از قهرمانان نینوا مجالس مزبور را تنظیم می کردند، که رفته رفته شهدای پیش از واقعه کربلا و پس از آن ماجرا به مجالس تعزیه ها اضافه شدند.

پیتر جی چلکروس در مقاله ای که به سال ۱۳۵۵ ه. ش تحت عنوان: «تعزیه نمایش بومی پیشرو ایران» نوشت:

۱۲. تاریخ انقلاب اسلامی، نسخه خطی کتابخانه ملی تهران، ص ۶۰۴ به نقل از زنا، گانی شاه عباس، ج ۳، ص ۱۰.
۱۳. فصلنامه هنر، همان، ص ۱۶۱.
۱۴. مشاهدات سفر از ینگال به ایران، ویلیام فرانکلین، ترجمه محسن جاویدان، ص ۷۲-۷۳.
۱۵. تاریخ موسیقی، حسن مشحون، ج ۱، ص ۴۰۲.
۱۶. شیراز، خاستگاه تعزیه، صادق همایونی، ص ۴۲.
۱۷. تاریخ اجتماعی کاشان، حسن نراقی، ص ۱۰۷.
۱۸. تعزیه در ایران، صادق همایونی، ص ۲۰۲.
۱۹. جانشینان کریم خان زند، دکتر حسن خوب نظر، ص ۱۲۱.
۲۰. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۸۸.

زندیه حضور خود را اعلام کرده و شکل گرفته است. نوشته اند در عهد کریم خان زند سفیری از فرنگستان به ایران آمد و در خدمت وی شرحی در تعریف نمایش های حزن انگیز بیان کرد. نامبرده با شنیدن مطالب آن سفیر دستور داد که صحنه هایی از وقایع کربلا و سرگذشت هفتاد و دو تن شهیدان نینوا ساختند و از آن حوادث غم انگیز مذهبی نمایش هایی ترتیب دادند که به تعزیه معروف گشت.^{۱۲} کریمسکی در کتاب *تساثر ایران* که در سال ۱۹۲۵ میلادی تألیف شده اجرای این نمایش را مربوط به دوران زندیه می داند.^{۱۳} اما قدیمی ترین مدرک مستند که درباره تعزیه خوانی در دست می باشد سفرنامه ویلیام فرانکلین است که سفرش طی سال های ۱۲۰۱-۱۲۰۲ ه. ق. به شیراز صورت گرفته است. نامبرده چند مجلس تعزیه از جمله میانجیگیری سفیر فرنگی دربار یزید، آب فرات و عروسی قاسم را مشاهده نمود است.^{۱۴} نصرالله فلسفی از قول یک نسخه خطی اجرای نمایش تعزیه را به عصر کریم خان زند می رساند و حسن مشحون این ادعا را تأیید می کند.^{۱۵}

میرزا حسن حسینی فسایی در کتاب *فارسانامه ناصری* می نویسد: «کریم خان زند در آخر روز ذی الحجه برای تعقیب و استقبال محمدحسن خان از شیراز خارج شد و در باغ دلگشا ... گردید و ایام عاشورای ۱۱۷۲ ه. ق. را در آن باغ به تعزیه داری خامس آل عبا گذرانید».^{۱۶} حسن نراقی نیز خاطر نشان می سازد: «از عهد کریم خان زند تعزیه خوانی و شبیه سازی باب شد ...».^{۱۷}

گویینو که حدود یکصد صفحه از کتاب مشهور خود را به پیدایش تعزیه اختصاص داده، از مضمون مطالبش به وضوح مشخص می گردد که تعزیه در زمان زندیه پدید آمده است. هنری ماسه هم در کتاب معتقدات و آداب ایرانی بر این ادعا مهر تأیید می زند.^{۱۸} دکتر حسن خوب نظر، می نویسد: «بعد از کشته شدن لطفعلی خان زند به دست آغا محمدخان قاجار تأثر عمیق مردم از این ماجرای غم انگیز سفاکانه در مجالس تعزیه پدیدار شده و به یادش در نمایش های مزبور می گریستند».^{۱۹}

دکتر محمدجعفر محجوب می گوید: «برخی اخبار شفاهی حاکی از آن است که از زمان کریم خان زند چندین تعزیه نامه در

میرزا لطفعلی محرم خوری که تا سال ۱۲۰۰ هـ. ق حیات داشته و بیشتر عمرش را در دوره زندیه سپری کرده چند مجلس تعزیه سروده و مجلس حضرت عباس (ع) و برخی از اشعار تعزیه حضرت علی اکبر (ع) اثر اوست. ۲۳ کمال نامی از اهالی فارس نیز از نخستین کسانی است که تعزیه «قربانی کردن اسماعیل» را سروده است. ۲۴

با وجود این همه شواهد و قرائن دال بر پیدایش تعزیه در عصر زندیه یکی از معاصرین می نویسد:

آنچه معروف است که تعزیه خوانی در ایران از زمان کریم خان زند معمول شد و علت آن تذکری بود که پاره ای از سفیران کشورهای اروپایی درباره اجرای نمایش های مذهبی در اروپا به او دادند، صحیح به نظر نمی رسد. زیرا به طور مسلم از قدیم در ایران نمایش معمول بوده [است]. ۲۵

وی برای اثبات ادعای خود، دلایل متقن و مدارک خردپسندی ارائه نداده است.

دکتر مرتضی هنری که اعتقاد دارد تعزیه در دوره صفویه ایجاد شده نوشته است: «بنابر آگاهان محلی، خوری ها (اهل خور) ۵۴ مجلس تعزیه را که از زمان صفویه به یادگار مانده بوده است، بدست آوردند و شش مجلس دیگر بر آن افزودند و از اول محرم تا آخر صفر هر روز یکی از آنها را برپا می داشتند». وی می افزاید: «شاعران محلی و از جمله یغما و فرزندان او در تکمیل این مجموعه نقش بسزایی داشتند، اما چون بین پسران یغما اختلاف افتاد، در یکی از شب های دهه محرم یکی از آن دو برادر تمامی نسخه های تعزیه را سوزانید و بدین ترتیب آن گنجینه که سروده شاعران خور بود، از میان رفت و تنها پنج تعزیه بر جای ماند». ۲۶ این ادعا هم برحسب نکاتی که قبلاً اشاره نمودیم مورد تأمل است و در هیچ تذکره ای نامی از شاعری تعزیه گو در عصر صفویه نیست.

سرایندگان سوگنامه ها

چنین می توان استنباط کرد که تعزیه ساختار امروزی خود را در اواخر دوره زندیه کسب کرده است، اما عهد قاجار دوران

۲۱. همان، ص ۱۳-۱۴.

۲۲. تعزیه و تعزیه خوانی، صادق همایونی، ص ۳۶.

۲۳. بر ساحل کویر نمک، عبدالکریم حکمت یغمایی، ص ۱۰۷.

۲۴. شیراز خاستگاه تعزیه، ص ۴۲.

۲۵. تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۲۶. تعزیه در خور، مرتضی هنری، مقدمه.

[نسخ] تعزیه در آغاز عبارت بود از چند واقعه (اپیزود) پیوسته سست و نارسا همراه با تکخوانی های رئایی طولانی و متعاقباً چند گفتگو یا محاده بندرت عملی به طور مستقیم با این نقش های قرائتی یا سرایشی کاملاً ابتدایی مرتبط بود... بازیگران سطور مربوط به خودشان را از روی نسخه ای که پهنایش در حدود ۵ و درازایش نزدیک به بیست سانتی متر و در دستشان بود می خواندند،... نسخه یا نوشته مزبور به منزله قایل شدن مرزی بود برای هر گونه تصویری که بازیگر واقعاً تبدیل به فردی که مطرح می سازد نشود. اهمیت نمایش به مراتب بیش از متن (نسخه ها) بود. معهذ این شکل از هنر ظرف یک سده مجموعه ای از چند صد مجلس افسانه ای را پدید آورد. ۲۱

تعزیه نویسان تنها به نوشتن اشعار تعزیه ها و سروده هایی که باید هر نفر بخواند اکتفا کرده اند و توضیحی در خصوص فعالیت های جنبی نقش ها نداده اند و نوبت هر کس را در همان موقع اجرا برای استفاده تعزیه خوانان روی ورقه ای یادداشت کرده اند و بر این اساس نام مؤلفین و پدیدآوردگان آنها بر ما مجهول مانده است. عموماً سرایندگان تعزیه نامه ها گمانمند و دسترسی به نام، زندگی و محیطشان، اگر محال نباشد چندان کار آسانی نمی باشد. به ویژه آن که اغلب آنان نظر به اجر اخروی و پاداش سرای جاوید داشته و نمی خواسته اند این ثواب مخدوش به شهرت های دنیایی شود و از این رو نیازی به معرفی خود نمی دیده اند. همچنین چون فقیهان و علمای دینی روی خوشی نسبت به تعزیه پردازان نشان نمی دادند، و عملشان را مکروه و گاهی مردود می دانستند و در مواقعی تعزیه سرایان در مظان نحوه ای از تکفیر بودند، ترجیح می دادند نامشان فاش نشود، و نیز باید افزود که خیلی از اشعار تعزیه حاصل بدیهه گویی است که ضبط و ثبت گویندگان آنها با دشواری توأم بوده است؛ یعنی: «تعزیه ثمره قریحه جمعی است، تنظیم کننده، پردازنده و اجراکننده اش چندین نفرند». ۲۲

با این حال می توان بر اثر کاوش در نسخه ها و برخی کتب تذکره ردپایی از سرایندگان تعزیه بدست آورد. به عنوان نمونه

و کارنامه درخشانی را برای خود ترسیم کرده و بر غنای فرهنگ ملی-مذهبی ما افزوده و ادبیات نمایشی را با نوعی قداست توأم کرده اند.

مرحوم آقای محیط طباطبائی دربارهٔ نسخ تعزیه و قدیمی ترین آنها می نویسد: «در تذکرهٔ فلک المریخ که به روزگار فتحعلیشاه تدوین شده در ذیل نام یکی از شاعران مازندران او را تعزیه گو می خوانند و می گوید: این قدیم ترین جایی است که ذکری از این کار دیده ام»^{۲۷}. وی می افزاید:

در کتابخانهٔ یکی از دوستان در تهران مجموعهٔ کهنه ای از تعزیه ها وجود دارد که کاغذ آبی رنگ و شکل خط و مرکبش گواه است بر این که در دورهٔ فتحعلیشاه نوشته شده و وضع ظاهری نسخه حکایت از این می کند که آن را از مازندران به تهران آورده اند و در پایان نسخه تعزیهٔ مسلم بن عقیل (ع) امضای مشهدی کریم تهرانی دیده می شود که شاید کتاب قسمت هایی از این مجموعه باشد. این مجموعه از تعزیه حضرت مسلم آغاز و به شبیه نامهٔ شام غریبان خاتمه می یابد. در دو محل از یک صفحه این مجموعه رقم ۱۲۴۴ هـ. ق. تنها و بی مناسبت نوشته شده که به قرینه خط و کاغذ و وضع خود مجموعه تاریخ تحریر آن نباید از این رقم سال عقب تر باشد.^{۳۱}

مرحوم سید عبدالوهاب سعیدی کازرونی (۱۲۴۶-۱۳۲۴ هـ. ق.) از تعزیه سرایان این دوره است که مجلس تعزیهٔ وفات حضرت فاطمهٔ صغری از اوست. مرحوم ملا محمد باقر بینوای کازرونی نیز به سرودن اشعاری از تعزیه پرداخت.^{۳۲} میرزا محمدتقی، از رجال مذهبی عهد سلطنت فتحعلیشاه قاجار تعزیه نامه های بسیاری به نگارش درآورد. آقای مایل بکتاش، مجلس مهلت خواستن جناب امام حسین (ع) را از مجموعه دست نوشته های وی که تاریخ ۱۲۶۱ هـ. ق دارد، ملاحظه کرده و بخش هایی از آن را در یکی از مقالات خود آورده است.^{۳۳} که البته وی را نباید با میرزا محمدتقی که تعزیه گردان معروف زمان ناصرالدین شاه بود، اشتباه گرفت.

شکوفایی، گسترش و رشد زایدالوصف تعزیه است و به دلیل حمایت سلاطین این دوره از تعزیه، این نمایش رونق دیگری یافت و بر نسخه های تعزیه افزوده شد و در برخی مجالس آن اصلاحات اساسی پدید آمد که البته این تحولات برحسب مذاق اشراف و خوانین و حکام صورت گرفت و برای جلب توجه پادشاهان مجالس تعزیه ای که حالت کمندی داشت، سروده شد و در جریان تکامل تعزیه، از شبیه خوانی محض به نمایش مفصل و پیچیده پیرایه های قابل ملاحظه ای به خود گرفت و چون اشرافیت بر آن تأثیر گذاشت، فرهنگ مختص این طبقه بر فضای مجالس تعزیه حاکم گردید و پاره ای امور که ارتباطی به عزاداری نداشت، به نسخه های تعزیه اضافه شد و برای آن که جنبهٔ سوگواری از بین نرود، حالت های حزن آور را رعایت می کردند و در آنها صفت شعر و بدیع به کار می بستند.^{۲۷}

عبدالله مستوفی می نویسد:

ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می تراشید، در این کار هم سعی فراوان به خرج داد و شبیه خوانی را وسیلهٔ اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد.^{۲۸}

دکتر حمید عنایت می نویسد: «[در دوران قاجاریه] تعزیه توسط دارو دسته های مقتدر مالی سیاسی ای رونق یافت که آن را همچون وسیله ای برای تحکیم تسلط خود بر عامهٔ مردم بکار بردند و در عصر طلایی آن ستمگری مانند ناصرالدین شاه تضادی میان روش های حکومت ظالمانهٔ خود با تدارک دقیق ترین تسهیلات جهت اجرای تعزیه ندید.^{۲۹}

اعتمادالسلطنه نیز در روزنامهٔ خاطرات خود (جمعه هفتم محرم سال ۱۳۰۶ هـ. ق) از یک مجلس تعزیه گزارشی ارائه داده که طی آن تعزیه خوانان حرکاتی قبیح از خود بروز دادند. او افزوده: «[به دلیل این حرکات] مجلس تعزیه از تماشاخانه بدتر شده بود»^{۳۰} و چون تعزیه ها از مقصد اصلی که سوگواری برای امام حسین (ع) و شهیدان کریلا بود، فاصله گرفت علمای شیعه بنای مخالفت با آن را گذاشتند.

با این وجود نمی توان از زحمات بی دریغ و توأم با اخلاص برخی تعزیه نویسان سخن نگفت. آنان که با پرهیز از هرگونه شهرت طلبی و به خاطر کسب ثواب به این صواب دست زده اند

۲۷. مجلهٔ سروش، ش ۹۷۰، ص ۶۱.

۲۸. شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲۹. تفکر نوین سیاسی اسلام، حمید عنایت، ص ۲۵۵.

۳۰. روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۹۱.

۳۱. تعزیه داری و شبیه خوانی از زمان دیلمیان تا امروز، محیط طباطبائی، روزنامهٔ اطلاعات، ش ۱۴۹۰۶.

۳۲. روزنامهٔ خبر شیراز، ش ۴۴۱، ص ۶.

۳۳. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۱۵۶-۱۵۷.

محمدشاه قاجار در کاشان، تهران و حتی تکیه دولت تعزیه گردان بوده و اکثر نسخه های تعزیه که در شهرهای مرکزی مورد استفاده قرار می گیرد، سروده نامبرده است. از پسرش سید کاظم معروف به میرغم نیز تعزیه هایی برجای مانده است.^{۳۹}

استاد دکتر جابر عناصری می گوید: «ما معمولاً از نسخه هایی استفاده می کنیم که برجسته و شناخته شده به شمار می روند؛ مثلاً می گویند نسخه ها از میر عزای کاشانی است. میرغم پسر اوست که اگر این نسخ را بخوانید حتی یک واژه یاوه در میان گفتار آنان پیدا نمی کنید».^{۴۰}

بعد از آن که بر اثر تأثیر فرهنگ شاهی و برخی عوامل دیگر پاره ای خرافات توسط جهال و افراد مغرض در تعزیه ها راه یافت، امیرکبیر به میرزا نصرالله اصفهانی که تخلص «شهاب» را داشت سفارش نمود که دوازده مجلس تعزیه بنگارد و این نخستین اصلاحات در مورد تعزیه بود که از اواسط قرن سیزدهم صورت گرفت. میرزا طاهره دیباچه نگار متخلص به شعری در تذکره گنج شایگان می نویسد:

«... از آنجا که در مجالس تعزیت و محافل شبیه ماتم و مصیبت حضرت خامس آل عبا... اشعاری که فیما بین اشتباه اهل بیت مکالمه می شد، غالباً سست و غیر مربوط و مهمل و مغلوپ بود، میرزا تقی خان وی [شهاب] را مأمور داشته چنین گفت که دوازده مجلس از آن وقایع را متضمناً بالبدایع... به اسلوبی که خواص پسندند و عوام نیز بهره مند شوند موزون سازد... شهاب این کار را کرد...»^{۴۱} و این گونه اشعار در میان مردم با حسن استقبال فراوان روبرو گردید؛ زیرا شهاب آن اشعار را چنان گریه خیز ساخت و بدان گونه غم انگیز پرداخت که اگر دل شنونده به سختی سنگ بود نرم می گردید و می گریست. همچنین از نظر تطبیق با منابع روایی و تاریخ و مستندات شیعه این سروده ها حساب شده، پخته و جهت دار بود.

۳۴. نامگانی استاد علی سامی، ج ۱، به کوشش دکتر محمود طاووسی، مقاله محمد مهدی مظلوم زاده.

۳۵. تعزیه در خور، مرتضی هنری، مقدمه.

۳۶. ر. ک: مجموعه آثار یغمای جندقی، ج ۱، مقدمه سید علی آل داوود.

۳۷. شیراز خاستگاه تعزیه، ص ۲۰.

۳۸. تذکره شعرای اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، ص ۳۷۰-۳۷۱ و نیز بنگرید به تذکره شعرای خوانسار.

۳۹. ادبیات نمایشی در ایران، جمشید ملک پور، ج ۱، ص ۲۲۹.

۴۰. فرهنگ آفرینش، سال دوم، ش ۵۸، ص ۵.

۴۱. امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، ص ۳۲۱ و نیز بنگرید: امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، ص ۱۱۷.

ملاآقا بابای کازونی معروف به ملابابا از تعزیه سرایان قرن سیزدهم هجری به شمار می رفت و مجالس تعزیه زیادی را به نظم درآورد. در تذکره مرآة الفصاحه و فرهنگ سخنوران اشاره ای کوتاه به وی نموده اند. محمد مهدی مظلوم زاده می گوید:

چند سال پیش نسخه کاملی از یک بیاض تعزیه سروده مرحوم ملاآقا بابای سامی را در دست یکی از نوحه خوان ها دیدم که به خط خود مرحوم سامی و در تاریخ صفر ۱۲۵۹ هـ. ق. جهت شیخ حسن نامی فرزند آقا شیخ عبدالنبی کازونی نوشته بود که شاید از نسخه نویس ها بوده و مجلس مزبور را جهت مراجعین استنساخ می نموده است. این بیاض حاوی مجلس تعزیه وفات ابراهیم در ۲۸۰ بیت شعر به ابعاد (۱۸×۱۱) سانتی متر و در پنج برگ (ده صفحه پشت و رو) به خط نستعلیق و مرکب مشکی تحریر یافته است.^{۳۴}

بنا به اظهارات دکتر مرتضی هنری، یغمای جندقی (۱۱۹۶-۱۲۷۶) و فرزندانش میرزا اسماعیل هنر (۱۲۲۵-۱۲۸۸ هـ. ق)، میرزا احمد صفایی (۱۲۳۵-۱۳۱۴ هـ. ق)، میرزا ابراهیم دستان (فوت ۱۳۱۰ ق) اشعاری سروده اند که در تکمیل و اصلاح تعزیه های منطقه خور (از توابع نائین) مؤثر بوده و تعزیه خوانان در برخی مجالس تعزیه ها اشعار این شاعران را مورد استفاده قرار می داده اند.^{۳۵} اما بنا به نوشته های سید علی آل داوود که مجموعه آثار یغمای جندقی را تدوین و به چاپ سپرده این شاعر و فرزندانش در رئای حضرت امام حسین (ع) و شهیدان کربلا سروده های زیادی دارند،^{۳۶} ولی تعزیه نامه نداشته اند و احتمال دارد به سلیقه شبیه خوانان بخش هایی از این مرثیه ها به متون تعزیه های خور راه یافته است. صادق همایونی (تعزیه پژوه معاصر) نیز می گوید سرودن نوحه و مرثیه توسط یغما و پسرانش نمی تواند دلیل تدوین تعزیه نامه از سوی آنان باشد.^{۳۷}

سید محمد رضوی خوانساری فرزند سید زین العابدین از علما و فضیلتی اصفهان و صاحب تألیفاتی در فقه، اصول، کلام و... سیصد مجلس تعزیه سروده است.^{۳۸}

دیگر از تعزیه سرایان دوران قاجاریه، سید مصطفی میرعزا است که علاوه بر سرودن مجالس تعزیه از عهد ناصرالدین شاه تا

بعضی این نسخه‌ها یا تصویری از چند مجلس تعزیه را برای نگارنده ارسال نموده است.

مرحوم ملا محمد بن حاجی محمد اسماعیل زفره‌ای با تخلص دربان و غرابی (فوت ۱۳۴۶ هـ. ق.) نسخه‌هایی جمع‌آوری و به خط زیبای خود نوشته که قدیمی‌ترین آنها تاریخ رجب ۱۲۹۷ هـ. ق. را دارد، بعدها وی با مرحوم رجاء زفره‌ای همکاری نموده و نسخه‌شهادت حضرت حمزه را با اتفاق آن مرحوم تنظیم و تکمیل کرده است. فرزند وی، میرزا علی محمد رضائی (فوت ۱۳۴۲ هـ. ش) نیز هفت مجلس کوتاه تعزیه سروده که غالب آنها شبیه‌های مضحک می‌باشد که اشعارشان به گویش آبادی زفره (از توابع کوهپایه اصفهان) می‌باشد.

مجموعه‌ها

چندتن از محققان اروپایی به جمع‌آوری و ضبط تعزیه‌نامه‌ها همت گمارده‌اند. یکی از آنان انریکو چرولی (Enrico Cerulli) سفیر ایتالیا در ایران می‌باشد. مجموعه‌ی چرولی با ۱۰۵۵ نسخه‌ی خطی تعزیه، بزرگ‌ترین مجموعه‌ی تعزیه در جهان است. این نسخه‌ها را نامبرده طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ میلادی که در ایران اقامت داشته با کمک فردی به نام علی هانیبال (از روس‌های سفید که تابعیت ایران را داشت و کارمند اداره هنرهای زیبای ایران بود) جمع‌آوری و به کتابخانه‌ی واتیکان در ایتالیا اهدا نموده است.

اتو روسی (Ettore Rossi) فهرست توصیفی از آن تهیه کرد که پس از مرگش توسط آلسیو بومباچی (Alessio Bombaci) تکمیل گردید و در کتابی با عنوان **فهرست نمایشنامه‌های مذهبی ایران واتیکان** به سال ۱۹۹۱ م منتشر شد.^{۴۷} الساندریو بوزانی که در کتابی به اجمال از تعزیه بحث کرده چند مجلس از مجموعه چرولی را ترجمه و ویرایش نموده است. همچنین «مجلس منصور حلاج و شمس تبریزی و ملای روم» توسط لوئی ماسینون ترجمه و در سال ۱۹۵۵ م انتشار یافت. همین مجلس را

بنا به نوشته‌ی دکتر رضا خاکی: در کتابخانه‌ی ملک مجموعه‌ای از باارزش‌ترین و پاکیزه‌ترین نسخه‌های تعزیه‌نگاهداری می‌شود که تعدادشان به ۱۰۳ نسخه می‌رسد و چه بسا همان مجموعه‌ای است که نصرالله اصفهانی به تشویق میرزا تقی خان امیرکبیر گردآوری و تنظیم کرده است.^{۴۲}

جمشید ملک پور خاطر نشان ساخته است شهاب حدود شصت مجلس از تعزیه را به نظم آورد که اشعارش دارای ارزش ادبی هستند.^{۴۳}

این میرزا شهاب (نصرالله لوی سمیرمی متوفی در سال ۱۲۹۱ هـ. ق) که شرح حالش در غالب تذکره‌ها دیده می‌شود، دیوان اشعاری دارد که به سال ۱۳۱۹ هـ. ق به اهتمام فرزندش میرزا اسماعیل ثابت انتشار یافت. در مجالس تعزیه‌ای که از سوی وی سروده شده گفتگوها نسبتاً طولانی است و معمولاً نوبت هریک از تعزیه‌خوانان بین ۷ تا ۱۰ بیت است و گفتگو با ابیات کم از نوادر می‌باشد. هریک از تعزیه‌هایی را که وی سروده حدود ۶۰۰ بیت دارد.^{۴۴}

عنایت‌الله شهیدی در مقاله‌ای تحت عنوان «دگرگونی و تحول در ادبیات و موسیقی تعزیه» می‌نویسد برعکس گمان همگان شهاب اصفهانی تعزیه‌نویس نبود و بلکه فقط شبیه‌خوان بود. وی می‌افزاید: به نظر من تعزیه‌های منسوب به او توسط افراد دیگری نوشته شده است.^{۴۵}

مرحوم محمدعلی رجاء زفره‌ای (۱۲۸۱-۱۳۹۱ هـ. ق) فرزند حسن با وجود آن که در کودکی به دلیل ابتلا به آبله از ناحیه دست آسیب فراوان دید، در کسب علوم و فضایل رنج‌ها برد و در فنون ادب از عروض و قافیه و بدیع تا صرف و نحو صاحب نظر گشت و مصنفات چندی در ادبیات و علوم اسلامی تدوین نمود؛ اما کار مهم وی که مورد نظر این نوشتار است تکمیل، تصحیح و تدوین پنجاه مجلس شبیه‌خوانی می‌باشد. از نسخه‌هایی که وی در خصوص تعزیه سروده شاگردانش و از جمله مرحوم محمد قادری فرزند عبدالقادر زفره‌ای رونوشت تهیه کرده‌اند و فرزند فاضلش محمدحسن رجایی زفره‌ای (متولد ۱۳۱۰ هـ. ش) نیز در حفظ و نگه‌داری این نسخه‌ها و نگارش مجدد آنها اهتمامی بااهمیت از خود نشان داده و رونویسی از

۴۲. *سوره ویژه تئاتر*، ش ۲ و ۳، بهار ۷۱، ص ۶۱.

۴۳. *ادبیات نمایشی در ایران*، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴۴. *ارزیابی سوگواری‌های نمایشی*، غلامرضا گلی زواره، ص ۵۷، به نقل از مقاله دست‌نویس محمدحسن رجایی زفره‌ای.

۴۵. *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران*، ص ۱۰۰.

۴۶. *مقاله دست‌نویس محمدحسن رجایی زفره‌ای که به درخواست نگارنده نوشته است.*

۴۷. *متن فارسی آن تحت عنوان «فهرست توصیفی نمایشنامه‌های مذهبی ایران» توسط جابر عنصری در ایران منتشر شد.*

تحقیقات پرداخت. وی ۳۳ تعزیه نامه را جمع آوری نمود. این مجموعه در هفتم ژانویه سال ۱۸۷۸ م در کتابخانه ملی پاریس تحت عنوان «جنگ شهادت» ثبت گردید. به نظر می‌رسد او باید قبل از سال ۱۸۴۰ م یعنی در سال‌های خدمت در ایران این نسخه‌ها را تهیه کرده باشد. وی در سال ۱۸۷۷ در پاریس فهرست این تعزیه نامه‌ها را با نام نمایش ایرانی به چاپ رسانید و ترجمه پنج تعزیه نامه از مجموعه جنگ شهادت را در آن آورد. او در پیشگفتار این نوشتار می‌نویسد «حسین علی‌خان خواجه که مدیر کارهای نمایش دربار است و او تعزیه نامه‌ها را به من فروخته، به عنوان سراینده و مؤلف تعزیه نامه هم شهرت دارد و اگر خود آنها را نسروده باشد، بی‌شک در ویرایش برخی از آنها دست داشته است.» شعرهای این مجموعه در عصر فتحعلیشاه سروده شده است.^{۵۱} در مجموعه خوجکو پنج مجلس تعزیه تکرار شده است و از هر یک دو نسخه در آن وجود دارد. بدین ترتیب تعداد عنوان‌های مستقل آن به بیست و هشت تنزل می‌کند و بر طبق اظهارات خوجکو در دوران اقامتش در ایران مجموعه‌ای کامل‌تر از آن نمی‌شناخته است و این گفتار قرینه‌ای بر این معناست که تعداد تعزیه‌های رایج و معمول آن تاریخ پیش از این نبوده و نمی‌توانسته به دو یا سه برابر تعداد تعزیه‌های جنگ شهادت برسد و تاکنون در تاریخ تعزیه داری قدیمی‌تر از این مجموعه به دست نیامده است.^{۵۲} مجلس بیست و چهارم این مجموعه توسط «ش ویرولود» به سال ۱۹۲۷ م و مجلس هیجدهم (شهادت حضرت علی اکبر (ع)) توسط روبرت هانری ژنره (ROBERT HENRY DE GENERET) ترجمه و به چاپ رسیده است. جنگ شهادت به صورت کتابی به قطع ۲۱/۵ × ۳۲ سانتیمتر و ۳۲۳ص تنظیم شده و قسمتی از صفحات آن سفید مانده که ظاهراً برای نوشتن تعزیه نامه‌هایی که احتمالاً بعد از صحافی کتاب به دست آید، نگاهداری شده است.^{۵۴} دست‌نویس‌های

مهدی ثریا و پیترو چلکو و سکی بازنویسی کرده‌اند.^{۴۸}
انریکو چرولی در مقاله تئاتر ایرانی می‌نویسد:

... تحقیقات سال‌های اخیر توجه شرق شناسان را به مسأله تئاتر ایرانی جلب کرده است. در واقع اندکی از متون این شیوه و اسلوب آفرینش ادبی در اختیار بود و بیم آن می‌رفت که به ساخت پرداخت‌های گوینو که از ذوق ظریف ادیب الهام می‌گرفت و یا به فرضیاتی که دانشجویان ایرانی در اروپا به ادوارد براون عرضه داشته بودند، اکتفا گردد... چون وضع و موقع این بخش از تحقیقاتمان چنین بوده است معتقد شدم که با استفاده از اقامت طولانیم در ایران... گردآوری تعداد بیشتری از دست‌نویس‌های نمایش مذهبی ایرانی، سودمند خواهد بود. در بازگشت به اروپا مجموعه‌ای را که بالغ بر ۱۰۵۵ دست‌نویس است به کتابخانه وایتیکان سپردم تا نتایج جستجوهایم در اختیار شرق شناسانی که پژوهش‌هایی در آینده انجام خواهند داد قرار گیرد... خوشبختم که توانسته‌ام این چنین توجه دانشمندان را به گوشه‌ای از ادبیات ایرانی که اندکی فراموش شده بود جلب کنم.^{۴۹}

شبیه‌نامه‌های مندرج در مجموعه چرولی گرچه همه حوادث تاریخ پیامبران، امامان و حتی شخصیت‌های ایرانی را دربرمی‌گیرد، اما محور اساسی آنها رویدادهای کربلاست. نسخه‌های گردآوری شده توسط این خاورشناس ایتالیایی عموماً دست‌نوشته‌های مَحَرران شبیه‌نامه‌هاست و گاهی از روی نسخه‌های اصلی رونویسی شده است. شماره نسخه‌های فرعی و رونویسی شده ضمن معرفی نسخه‌ها در فهرست شناسنامه‌ها قید گردیده است، برخی از این مجلس در آغاز یا پایان افتادگی دارند و ناقص هستند. کاتبان شبیه‌نامه‌ها عموماً از خوانندگان نسخ شبیه‌خوانی، التماس دعا نموده و با دعا و طلب مغفرت و استدعای خواندن الحمدی و فاتحه تعزیه را خاتمه داده‌اند.^{۵۰} قدیمی‌ترین نسخ تعزیه که مربوط به دوران فتحعلیشاه قاجار است، توسط الکساندر ادموند خوجکو، (Alexandre Edmond chodzko) گردآوری شده است، وی نخستین ایران‌شناسی لهستانی است که در فرانسه به دنیا آمد و در این کشور زندگی کرد و به تحصیلات و

۴۸. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ تعزیه و تئاتر در ایران، به کوشش لاله تقیان، ص ۴۸؛ فصلنامه هنر، ۲، زمستان ۶۱، بهار ۶۲، ص ۱۶۰؛ سوره ویژه تئاتر، ش ۲ و ۳، ص ۶۰.
۴۹. نمایش در شرق (مجموعه مقالات) ترجمه جلال ستاری، ص ۳۱-۳۲.
۵۰. فهرست توصیفی نمایش‌های مذهبی ایران، ترجمه جابر عناصری، ص ۲۰-۲۱.
۵۱. کتاب نمایش، خسرو شهریاری، ص ۲۶۸.
۵۲. جنگ شهادت، به اهتمام زهرا اقبال (نامدار)، زیر نظر دکتر محمدجعفر محجوب، ج ۱، ص ۱۲-۱۳.
۵۳. بنیاد نمایش در ایران، ابوالقاسم جنتی عطایی، ص ۳۰؛ تعزیه و تمزیه خوانی، ص ۳۱؛ تعزیه و تئاتر در ایران، به کوشش لاله تقیان، ص ۳۰.
۵۴. فهرست توصیفی نمایش‌های مذهبی ایران، ص ۱۳ و ۲۴.

در بررسی کتاب لیتن (نمایش در ایران) از آن نظر که مجموعه مزبور شامل چهارده مجلس تعزیه، متعلق به سال‌های ۱۸۳۱-۱۸۳۴ م است و تنها یکی از مجالس آن به قرن بیستم تعلق دارد، بر اهمیت این اثر تأکید می‌ورزد. در سال ۱۹۳۴ م. هربرت دودا (Herbrt Duda) خاورشناس استرالیایی، مجلس شماره یک از مجموعه لیتن، (قربانی کردن ابراهیم اسماعیل را) را در برلن چاپ کرد.^{۶۱}

ایلیانیکولا یویچ برزین (Berzin) شرح پرارزشی درباره تعزیه نوشت که فراتر از یک گزارش توصیفی است. وی که مؤلف کتاب «مسافرت در ایران شمالی» است و در سال‌های ۱۲۵۸-۱۲۵۹ هـ. ق. در ایران به سر می‌برده در مطالعات خاور نزدیک، دارای اطلاعات آکادمیک است و چند کتاب درباره زبان عربی، دستور زبان فارسی و متون تاریخی نوشته است؛ اما گزارش وی از تعزیه در نوع خود می‌تواند از نخستین شرح‌های پژوهشی به شمار آید. او گزارش مفصلی از آنچه که پیش از شروع اجرای تعزیه در تکیه روی می‌دهد، آورده و تعزیه را از روز سوم محرم مورد بررسی و ملاحظه قرار داده و از هر مجلسی که تا آن روز بخصوص اجرا می‌شد، شرح مختصری ارائه داده است. او تفسیری بر اجراء و بازی و نیز بر زبان و متن تعزیه نوشت^{۶۲} و افزود در حدود هشتاد مجلس تعزیه و برای هر مجلس نسخه‌های متعدد وجود دارد.^{۶۳} در سال ۱۸۴۳ م (۱۲۵۹ هـ. ق) بود که برزین چاپ سنگی یک مجلس تعزیه را به روسیه برد که از وجود یا فقدان آن اطلاعی در دست نمی‌باشد.^{۶۴} ادوارد براون در کاتولوگ نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه دانشگاه کمبریج از «تعزیه‌های محرم و تعزیه‌ها» نام می‌برد. شش نسخه چاپ سنگی تعزیه در کاتولوگ‌های نسخه‌های ادوارد براون موجودند.^{۶۵}

۵۵. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۳۷۲؛ موسیقی مذهبی ایران، ج ۱ (موسیقی تعزیه)، محمدتقی مسعودیه، ص ۲۹.
۵۶. تعزیه حسن و حسین، سرلوتیس پلی، ج ۱ پیشگفتار.
۵۷. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۳۷۴.
۵۸. فهرست توصیفی، ص ۱۶.
۵۹. بنیاد نمایش در ایران، ص ۳۱؛ سیر تحول مضامین شبیه‌خوانی، جمشید ملک پور، ص ۴۶.
۶۰. موسیقی مذهبی ایران، ص ۳۰.
۶۱. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ص ۳۷۶.
۶۲. همان، ص ۳۷۲-۳۷۳.
۶۳. تاریخ ادبیات، ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی، ص ۱۶۱.
۶۴. موسیقی مذهبی ایران، ص ۲۹.
۶۵. همان.

جنگ شهادت، بهترین سندی است که از روند ادبی سریع مجالس تعزیه در دسترس می‌باشد. مرکز نمایش‌های سنتی و آئینی تهران با برایش زهرا اقبال، این مجموعه را که شامل شش مجلس تعزیه بود، در سال ۱۳۵۵ هـ. ش. انتشار داد؛ ولی جز جلد اول، دیگر مجلدات چاپ نشده است.^{۵۵}

کلنل سرلوتیس پلی (COLONEL SIR LEWIS PELLY) افسر انگلیسی و ایران‌شناس معروف دوره ناصرالدین شاه، که از سال ۱۸۶۲ م به بعد یازده سال را در جنوب ایران گذرانده است، چنان از نمایش‌های تعزیه متأثر شد که اثری دوجلدی در این باره تحت عنوان شبیه‌خوانی حسن و حسین (ع) نوشت که در لندن به سال ۱۸۷۹ م به طبع رسید. لوئیس پلی در مقدمه این مجموعه یادآور شد:

اگر موفقیت یک نمایش به میزان تأثیری باشد که بر خوانندگان یا تماشاگران می‌گذارد، هیچ نمایشی تاکنون موفق‌تر از تراژدی جهان اسلام یعنی تراژدی حسن و حسین (ع) نبوده است.^{۵۶}

اثر مزبور ۳۷ مجلس تعزیه است که گوینو از زبان سنتی رایج فارسی به انگلیسی مصنوع دوره ویکتوریایی ترجمه کرد. مقایسه عنوان این مجموعه خوچکو متعلق به چهل سال قبل از آن با مجموعه پلی، از افزایش موضوعی نمایش مزبور حکایت دارد. در حالی که مجموعه نخست تماماً درباره کربلاست، مجموعه پلی تمام مراحل، از زمانی که شهادت برای امام حسین (ع) مقدر می‌شود، تا روز رستاخیز را که امام از سوگواران شفاعت می‌کند، در بر دارد.^{۵۷} می‌گویند این فسر انگلیسی تعزیه‌های مزبور را از طریق شنیدن ضبط کرده است.^{۵۸}

ویلهلم لیتن (WILHELM LITTEN) کنسول اسبق آلمان در بغداد، به سال ۱۹۲۹ م پانزده تعزیه‌نامه را جمع‌آوری کرد و به صورت کلیشه عین متن اصلی به کوشش فردریک رزن در آلمان (برلن، لایپزیک) به چاپ رسانید. از مقدمه کوتاه لیتن بر این مجموعه برمی‌آید که وی مصمم بوده آنها را ترجمه کند، ولی مشخص نیست این کار انجام شده یا خیر.^{۵۹} تاریخ اتمام تعزیه‌نامه‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ در خاتمه آنها قید شده است که غالباً تاریخ آن مربوط به نیمه قرن سیزدهم می‌باشد.^{۶۰} یان رپیکا

مصطفی کاشی (میرعزا) و پسرش میرغم می باشد. وی می افزاید: نسخه های بسیاری را که در اختیار این افراد بوده، دیده است که قدیمی ترین آنها به تاریخ ۱۲۸۰ هـ. ق است. به گفته آقای فقیهی و اظهارات تعزیه خوانان مذکور، در حال حاضر متجاوز از دویست تعزیه موجود می باشد که اغلب آنها با واقعه کربلا ارتباطی ندارند؛ از قبیل تعزیه یوسف، قربانی کردن اسماعیل و مجلس امیر تیمور. اما با دقت در آنها می توان متوجه شد که حوادث این مجالس تعزیه به نحوی عاشورا را یادآوری می کنند.^{۶۸}

اما رضا خاکی (از تعزیه پژوهان معاصر) در مقاله ای نوشته است: «با توجه به مضامین نمایش های تعزیه تعداد مجالس آن یکصد و پنجاه مجلس بیشتر نمی باشد که از بعضی از آنها چند روایت وجود دارد و تفاوتشان بیشتر در اوزان شعری، سلیقه کاتبان و یا در زبان نوشتاری و سبک ادبی است».^{۶۹}

صادق همایونی که آثاری درباره تعزیه نوشته و برخی مجالس تعزیه را در ضمیمه نوشته های خود چاپ کرده است، می گوید: «تعداد تعزیه ها در حدود یکصد تاست که نگارنده نسخ اصلی و اسامی همه آنان را بدست آورده است». سپس وی فهرستی توصیفی از این تعزیه ها آورده است. وی می افزاید: «مجموعه کاملی از متن نسخ تعزیه ها را جمع آوری کرده و در اختیار دارم».^{۷۰} مرتضی هنری از وجود شصت مجلس تعزیه در خور سخن گفته و خود شش مجلس آنها را در کتابی مستقل چاپ کرده است.^{۷۱} وی قدیمی ترین تعزیه ها را مربوط به عصر صفویه می داند.

حسن صالحی راد بر اساس تعزیه های روستای «در بندسر» (واقع در پنجاه کیلومتری تهران) تعداد بیست مجلس تعزیه را در کتابی تحت عنوان «مجالس تعزیه» گردآوری و به چاپ سپرده است که گویا جلد دوم آن هم انتشار یافته است. وی قدیمی ترین نسخه های تعزیه را در این آبادی مربوط به سال ۱۱۳۳ هـ. ق. می داند که حاجی علی ملا فرزند محمد حسن لارایی در بندسری آن ها را نوشته (رونویسی کرده) است. بنا به اظهارات نامبرده اکثر این نسخه ها از بین رفته و باز نویسی های بعدی توسط

۶۶. سوره ویژه تاتار، ش ۲ و ۳، ص ۶۲ و ۶۳.

۶۷. نگارنده در روستای دستان از توابع منطقه کیار چهارمحال و بختیاری از یکی از تعزیه خوانان نامی این سامان، مجموعه ای ارزشمند دیدم که برخی مجالس آن را رونویسی کرده ام.

۶۸. تاریخ جامع مذهبی قم، ص ۳۲۰.

۶۹. سوره ویژه تاتار، ش ۲ و ۳ (بهار ۷۱)، ص ۶۲.

۷۰. تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۴۶ و ۹۷.

۷۱. تعزیه در خور، مرتضی هنری، مقدمه.

به غیر از این مجموعه ها که اروپاییان به گردآوری آنها اهتمام ورزیده اند، در کتابخانه های معتبر ایران، نسخه های خطی ارزشمندی از مجالس تعزیه قابل مشاهده است. از جمله، مجموعه تعزیه نامه های کتابخانه مجلس شورای اسلامی که ۲۶۰ نسخه دست نویس را شامل می شود. در سال ۱۳۵۵ هـ. ش آقای رضا خاکی با همکاری عنایت الله شهیدی کار تنظیم و شماره گذاری نسخه های این مجموعه را برای «مرکز آیین ها و نمایش های سنتی ایران» عهده دار گردید و این آثار نفیس کپی برداری شد و نیز فهرستی از عنوان ها و حاشیه نویسی های نسخه ها فراهم گردید که هنوز به چاپ نرسیده است. در کتابخانه ملک ۱۰۳ نسخه خطی تعزیه نگاهداری می شود که البته بسیاری از نسخه های این مجموعه دارای مضمون های مشابه و تکراری است. به عنوان مثال از مجلس شهادت حضرت امیر المؤمنین (ع)، هفت و یا از مجلس شهادت علی اکبر (ع) پنج نسخه و یا از مجلس شهادت حضرت امام حسین (ع) شش نسخه در آن موجود است.^{۶۶} در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و نیز کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی نیز نسخی از تعزیه نگاهداری می شود که نگارنده در فهرست کتب خطی این دو مرکز اسامی آنها را ملاحظه کرده است.

در کتابخانه های خصوصی نیز نمونه های ارزشمندی از این نسخه ها نگاهداری می شود. سید عبدالعلی فناء توحیدی (برادر استاد سید محمد محیط طباطبایی) چندین مجلس تعزیه میرعزا (سید مصطفی کاشانی) را که در زواره خوانده اند. پس از تصحیح و تنقیح و حذف آنچه که بعدها اضافه کرده اند، رونویسی کرده است. مرحوم محیط طباطبایی هم مجالس متعددی از تعزیه نامه ها را در کتابخانه های دوستان خویش مشاهده نموده است. به جز این ها تعداد بسیاری تعزیه نامه به صورت پراکنده در دست افراد مختلف و از جمله بازماندگان تعزیه خوان ها وجود دارد. نمونه های بکر و جالب آنها را می توان در روستاها و نقاط دور افتاده ملاحظه نمود.^{۶۷}

علی اصغر فقیهی به نقل از تعزیه گردانان قدیمی و مطلع قم گفته است: نسخه هایی که سال های متمادی در این منطقه ملاک کار شبیه خوانان می باشد، مجالس سروده میرانجم سید

پرویز صیاد در سال ۱۳۵۰ ش. تعزیه حُر منسوب به سید مصطفی کاشانی (میرعزا) را چاپ کرد. در همین سال کتاب تئاتر ایرانی به کوشش فرخ غفاری و مایل بکناش انتشار یافت که در مقدمه اش دو مقاله از مؤلفین کتاب آمده و سپس تجزیه و تحلیلی از تعزیه شیرافکن صورت گرفته است. در این کتاب متن های سه تعزیه: عروسی رفتن فاطمه زهرا، یحیی بن زکریا و سرگذشت شیرافکن آمده است.

بهرام بیضایی علاوه بر آن که در کتاب «نمایش در ایران» به تعزیه پرداخته است، مجلس تعزیه شست بستن دیو را با مقدمه ای کوتاه در مجله آرش شماره اول (سال ۱۳۴۰) به چاپ رسانید.

سیروس طاهباز در همین مجله (ش ۳، ۱۳۴۱) ضمن نوشتن یادداشت هایی بر تعزیه شهربانو متن تعزیه مزبور را نگاهشته است.^{۷۵}

جمشید ملک پور علاوه بر نگارش مطالبی درباره تعزیه در کتاب «ادبیات نمایشی در ایران» (فصل پنجم، تراژدی ایرانی) و آوردن بخش هایی از تعدادی تعزیه در این نوشتار، در کتاب سیر تحول در مضامین شبیه خوانی، ضمن پرداختن به تعزیه چهار مجلس «قربانی کردن ابراهیم اسماعیل را در راه خدا»، «شهادت امام حسین (ع)»، «امیر تیمور و والی شام»، «مالیات گرفتن جناب معین البکاء» را چاپ نموده است.

دفتر تعزیه (اول) مجموعه تعزیه هایی است که به کوشش داوود فتحعلی بیگی و با کمک کانون نمایش های مذهبی و سنتی انتشار یافته است. این اثر روایت خروج مختار را در پنج مجلس تعزیه دربرمی گیرد که چهار مجلس اولیه آن حاصل زحمات هاشم فیاض می باشد که با استفاده از تعزیه های شهادت مسلم، ورود به کوفه، خروج مختار تنظیم گشته است.

در چند دهه قبل بسیاری از تعزیه ها به صورت چاپ های سنگی روی کاغذ کاهی یا قطع کوچک (جیبی)، تجلیدی ساده و حتی از نوع برگ های داخل کتاب که شکل بازاری داشت، چاپ گردید که هنوز می توان نسخ قدیمی و یا چاپ جدید آنها را در بساط دست فروشان دوره گرد و یا کتابفروشی های حوالی مساجد، امامزاده ها و حسینیه ها یافت.

○

۷۲. مجالس تعزیه، حسن صالحی راد، مقدمه، ص ۱۶.

۷۳. فرهنگ آفرینش، سال دوم، ش ۵۷، ۲۱ تیر ۷۳، ص ۵.

۷۴. تعزیه نمایش مصیبت، جابر عناصری، ص یک.

۷۵. تعزیه و تعزیه خوانی، ص ۹۷.

فرزندش حاجی علی با کمک برادرزاده اش محمد صالح و عموزاده اش ملارحمان قلی در سال ۱۱۵۶ هـ. ق. انجام گرفته است.^{۷۲}

راقم این سطور براساس تعزیه های شهر زواره واقع در شمال شرقی اصفهان و شرق اردستان، پنجاه مجلس تعزیه را گردآوری و تنظیم نموده ام و براساس نقش های آن به صورت متوالی نوشته ام که هنوز چاپ نشده است.

ولی گسترده ترین تلاش در مورد تعزیه نامه ها توسط دکتر جابر عناصری استاد تعزیه شناسی چندین دانشگاه کشور و مؤلف کتب و مقالات متعدد در این باره، صورت گرفته است. وی که فرزند مرحوم علی عناصری، معین البکای شبیه خوانی در اردبیل می باشد، به گفته خودش از زمانی که چشم گشوده با نسخه ها و مکالمه های شبیه خوانی آشنا شد و این هنر را زیر نظر پدر و استادش فراگرفت و در اردبیل و در دوران نوجوانی و جوانی در نقش حضرت علی اکبر (ع) ایفای نقش می کرد. از همان زمان علاقه مند به گردآوری نسخه های شبیه خوانی گردید و چون به تهران آمد از کتابخانه های متعدد سراغ آنها را گرفت و چون به انگلستان سفر نمود، از روی نسخه هایی که حداقل یک قرن قبل از ایران بیرون رفته بود، میکروفیلم و میکروفیش تهیه کرد و به ایران بازگردانید و در اولین فرصت این نسخه ها را با تصحیح و مقابله با سایر نسخی که در اختیار داشت، تحت عنوان «تعزیه نمایش مصیبت» به چاپ رساند که ۳۳ مجلس شبیه خوانی را دربر می گرفت.

این محقق تعزیه و تنها مدرّس شبیه خوانی در دانشگاه تهران، تربیت مدرس، دانشکده هنر، دانشکده سینما، دانشکده صدا و سیما و دانشگاه آزاد اسلامی گفته است:

شاید در ایران تنها کسی باشم که تمام نسخه های شبیه خوانی برجسته و خوب از نظر شعر و جنس کاغذ را در اختیار داشته باشم.^{۷۳}

وی در مقدمه کتاب «تعزیه نمایش مصیبت» می نویسد:

... آنچه خوانندگان این سوگنامه ها در پیش رو دارند، مجالس تصحیح شده و نظم یافته ای است که مضامین این شبیه نامه ها - به وسواس تام - با متون مشابه مقابله گردیده و حشو و زوائد در نظر آمده، سخته های شعری، مورد نقد و بحث واقع شده و صواب از خطا جدا گشته است تا متنی منقح از ۳۳ مجلس تعزیه در اختیار خوانندگان قرار گیرد...^{۷۴}